



سرهنگ محمدی رئیس پلیس آگاهی استان فارس

ساله بودم، دو نفر به دستور «هاشم» – آخرین قربانی – که از افراد بانفوذ و پولدار منطقه بود، پدرم را ربودند. پدرم با «هاشم» در سرقت خانه، احشام و جنایت‌های متعدد همکاری داشت. تا مدت‌ها از پدرم بی‌اطلاع بودیم تا این‌که متوجه شدیم مردی به نام «ماشاءالله» – فرزند عبدالله – او را به دستور «هاشم» کشته است. بنابراین خانواده‌ام شکایتی مطرح کرده و برادر «هاشم» نیز در دادگاه اعتراف کرد اما به خاطر نفوذ «هاشم»، موفق به اثبات ادعایمان نشدیم.

پس از مرگ پدرم، با زجر و بدبختی بزرگ شدیم. همیشه از خدا می‌خواستم من را به سنی برساند که بتوانم انتقام پدرم و اهالی را از «هاشم» و اطرافیانش بگیرم. به همین خاطر از سال ۸۴ زمانی که ۲۱ سال داشتم، تصمیم به انتقام گرفتم. با شناسایی عاملان قتل پدرم و جمع‌آوری اطلاعات لازم از همدستانشان، چند اسلحه خریدم. نخستین قربانی‌ام «ماشاءالله» بود؛ مردی که پدرم را کشت. او از اشرار منطقه بود که مرتکب جنایت‌های هولناکی در منطقه شده و اهالی از او بشدت ترس و وحشت داشتند. نقشه قتل او را تیر سال ۸۵ طراحی کردم. از آنجا که می‌دانستم او مرد خطرناکی است و چنانچه اشتباه کوچکی می‌کردم، سریع متوجه ماجرا می‌شد و مرا می‌کشت، چهار شب به صورت مخفیانه خانه‌اش را تحت نظر گرفتم تا این‌که فرصت مناسبی برای اجرای نقشه به دست آمد. سرانجام نیمه شب مورد نظر، زمانی که ماشاءالله در خانه تنها بود، از بالای دیوار خودم را به حیاط رسانده و او را در خواب به رگبار بستم.

پس از قتل، مدت‌ها مخفی بودم چرا که می‌دانستم «هاشم» و همدستانش دنبالم هستند. با این حال به فکر کشتن دومین طعمه‌ام بودم. به همین خاطر «حسن» را همراه ۸۵ در محل نگهداری احشام با شلیک گلوله کشتم.

مرتضی درباره انگیزه قتل «حسن» نیز گفت: پدر وی چند سال قبل خانواده‌ام را حسابی اذیت کرده بود. بنابراین همیشه دنبال راهی برای انتقام بودم. به همین خاطر تصمیم گرفتم پسرش را بکشم تا دادگار شود. طبق نقشه از اوایل مهر ۸۵، «حسن» را به صورت نامحسوس زیر نظر گرفته و در موقعیتی مناسب او را با شلیک‌های پی در پی از پا در آوردم. «مرتضی» در سومین جنایت پسر جوانی به نام «فرهاد» را از پا در آورد. او در جریان بازجویی‌ها گفت فقط از قتل «فرهاد» پشیمان است؛ نمی‌خواستم او را بکشم و مرگش اتفاقی بود. او در تشریح این جنایت اظهار کرد: اسفند سال ۸۵، یکی از دوستانم سراغم آمد و گفت: پسر جوانی به نام «فرهاد» برای دخترها مزاحمت ایجاد می‌کند بنابراین می‌خواست از «فرهاد» انتقام بگیرد. روز حادثه قرار بود من رانندگی کنم و او به سوی پای پسر جوان شلیک کند. بنابراین پس از کمین و مشاهده «فرهاد» که سوار موتورسیکلت بود به تعقیب‌اش پرداختیم. وقتی اسلحه را به دوستانم دادم و نتوانست شلیک کند. خودم تصمیم به شلیک گرفتم. بنابراین پای «فرهاد» را نشانه گرفتم اما زمانی که قصد شلیک داشتم چرخ ماشین داخل چاله‌ای افتاد که گلوله ناخوسته به قلبش خورد. به هیچ‌عنوان قصد کشتن او را نداشتم و به همین دلیل وقتی از مرگش باخبر شدم خیلی گریه کردم.»

عامل جنایت‌های سریالی کازرون آذر سال ۸۷ نیز داوود و شهاب را با شلیک‌های مرگبار کشت. این در حالی است که تاکنون اجساد آنها کشف نشده است. پسر ۲۵ ساله با قبول اتهام این دو جنایت گفت: وقتی از طریق خبرچین‌هایم متوجه شدم «داوود» و «شهاب» مأمور قتل شده‌اند چاره‌ای جز بیشدستی ندیدم. آنها بر اساس نقشه می‌خواستند مرا به منطقه‌ای خلوت ببرند و بکشند. روز حادثه با اطلاع از این ماجرا سوار موتورشان شدم. اما پس از رسیدن به منطقه‌ای بیابانی، آنها را در یک لحظه غافلگیر کرده و کشتم. بعد هم اجسادشان را دفن کردم. به دلیل این که یکی از دوستانم شاهد این ماجرا بود ترسیدم اگر دستگیر شود ماجرا را فاش کند. به همین خاطر دو روز بعد اجساد را از خاک بیرون کشیده و در محل دیگری خاک کردم.»

مرتضی ادامه داد: «ششمین قربانی‌ام «رضا» نام داشت که او هم از عوامل هاشم بود. می‌دانستم اگر او را نکشم به دستش کشته خواهم شد. بنابراین اورد بیهشت سال ۸۷ او را در منطقه نخلستان «کنار تخته»

در جریان تحقیقات جنایی برای افشای راز ۸ جنایت به دست آمد

# لیست سیاه آدمکش



## گفت‌وگو با قاتل

عفو و بخشش کرده بودم.

■ **پس چرا به سرقت مسلحانه و اسکورت کاروان‌های موادمخدر می‌پرداختی؟**

این کارها فقط برای تهیه مخارج زندگی خود و دوستانم بود. البته در سرقت مسلحانه از پلافروشی قصد تیراندازی نداشتم اما مقاومت صاحب مغازه مرا مجبور به تیراندازی کرد.

■ **از کجا مطمئن بودی «ماشاءالله» قاتل پدرت است؟**

در این رابطه تحقیقات زیادی انجام داده بودم. با تعدادی از شاهدان و اعضای گروه «هاشم» هم حرف زدم. مطمئن بودم «ماشاءالله» با کمک یکی از دوستان پدرم او را ربوده و سپس با شلیک گلوله وی را کشته بود.

■ **چرا از راه قانونی مجازات قتل پدرت اقدام نکردی؟**

«هاشم» فرمان قتل پدرش را صادر کرده می‌گوید: «هاشم می‌دانست سرانجام به دست من کشته می‌شود به همین خاطر هر چه از او می‌خواستم قبول می‌کرد. چند بار از هاشم پول گرفتم. آخرین بار که سراغش رفتم و درخواست پول کردم یک هفته مهلت خواست.» او می‌دانست در این یک هفته نقشه قتلش را اجرا نمی‌کند. اما برای من مهم انتقام بود، نه پول؛ بنابراین صبح سه‌شنبه چهاردهم مهر او را مقابل مغازه‌اش کشتم. این در حالی بود که «هاشم» برای خاموش کردن آتش کینه در وجودم، پیشنهاد داده بود با دخترش ازدواج کنم. که قبول نکردم!»

عامل قتل‌های زنجیره‌ای هشت مرد در شهرستان کازرون پس از



و دستگیر شوی؟

نه، نمی‌دانستم از سوی پلیس شناسایی شده‌ام وگرنه بیشتر احتیاط می‌کردم.

تشریح جنایاتش با قرار بازداشت روانه زندان شد.

■ **احتمال افزایش قربانیان**

سرهنگ محمد محمدی – رئیس پلیس آگاهی استان فارس – دیروز درباره آخرین تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی به خبرنگار ما گفت: «مرتضی» در بازجویی‌ها تاکنون به هشت قتل اعتراف کرده است. با این حال تحقیقات ویژه جنایی برای کشف جنایت‌های احتمالی دیگر، همچنان ادامه دارد. او همچنین به دو فقره سرقت مسلحانه در منطقه اعتراف کرده است. «مرتضی» و همدستانش تیر سال ۸۷ به یک پلافروشی دستبرد زدند که در جریان این سرقت مرد پلافروش از ناحیه پا هدف گلوله قرار گرفت و دچار نقص عضو شد.

تلفن گروه حوادث: ۸۸۷۶۱۶۲۱



پسر شرور در دومین سرقت به خانه یک دامپزشک دستبرد مسلحانه زد و از آنجا هم مقداری پول و لوازم قیمتی دزدید. شواهد نشان می‌دهد مرتضی و همدستانش کاروان‌های قاچاق مواد مخدر را نیز اسکورت می‌کردند.

وی ادامه داد: عامل جنایت‌ها در این مدت برای فرار از تله پلیس و بستگان قربانیان، در شهرهای مختلف از جمله بوشهر، کنگان و ملایر مخفی شده بود. در اغلب جرایم هم یکی از برادرانش به نام «ایوب» او را همراهی می‌کرد که او نیز از سوی مأموران پلیس آگاهی در ملایر دستگیر شده است.

رئیس پلیس آگاهی استان فارس در تشریح عملیات دستگیری پسر جنایتکار گفت: مأموران اداره عملیات ویژه پلیس آگاهی پس از تحقیقات گسترده سرانجام موفق شدند مخفیگاه او را در شهرستان «ملایر» – استان همدان – شناسایی کنند، اما از آنجا که احتمال داشت او دوباره مخفیگاهش را تغییر دهد، بلافاصله تیمی از مأموران راهی ملایر شده و «مرتضی» را در عملیاتی غافلگیرانه در حالی که کلنی در دست داشت، دستگیر کردند.

سرهنگ محمدی خاطرنشان کرد: تحقیقات مقدماتی از «مرتضی» پایان یافته و او بزودی به بازسازی صحنه قتل‌ها می‌پردازد. قرار است در جریان بازسازی صحنه‌ها، محل دفن اجساد «شهاب» و «داوود» را هم نشان دهد. «مرتضی» در بازجویی‌ها به قتل و دفن اجساد آنها اعتراف کرده، اما هنوز محل مورد نظر را معرفی نکرده است.

■ **رسیدگی ویژه به قتل‌های سریالی کازرون**

رئیس کل دادگستری استان فارس هم از رسیدگی ویژه به پرونده قتل‌های سریالی در کوتاهترین زمان خبر داد.

قاضی سیاوش پور در جمع خبرنگاران گفت: پس از به‌دست آمدن شواهدی درباره رابطه قتل‌های منطقه «کنار تخته»، رئیس دادگاه خشت و کنار تخته به گروهی از مأموران نیروی انتظامی مأموریت داد با انجام تحقیقات ویژه عامل قتل‌ها را دستگیر کنند.

وی افزود: در جریان تحقیقات با کشف دلایل کافی و انجام سلسله اقدام‌های اطلاعاتی و قضایی، سرانجام متهمان پرونده دستگیر و به جرایم‌شان در حضور قاضی پرونده اعتراف کردند.

رئیس کل دادگستری فارس ادامه داد: منتهم اصلی پرونده تاکنون به هشت فقره قتل عمدی و سرقت مسلحانه اعتراف کرده و اتهام سایر متهمان نیز معاونت در قتل عمدی و شروع به سرقت مسلحانه است. وی تأکید کرد: پس از تکمیل تحقیقات و کشف زوایای پنهان پرونده در کوتاهترین زمان حکم قاطع از سوی قضات ویژه صادر و اجرا خواهد شد. مردم منطقه هم اطمینان داشته باشند این تلاش‌ها فقط به این پرونده محدود نخواهد شد و افزایش سطح امنیت عمومی و جلب رضایت مردم منطقه به‌طور جدی در دستور کار قضایی، پلیسی و امنیتی قرار دارد.